



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۲ / شماره ۲ (پیاپی ۴۶) / تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۳۹۵ تا ۴۱۸

ارائه مدل حاصل از کارکرد منابع قدرت در سنجش عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی

مهناز ایروانی

گروه حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
Iravanim.2010@gmail.com

میر فیض فلاح شمس

دانشیار گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
fallahshams@gmail.com

فریدون رهنمای رودپشتی

استاد دانشگاه و عضو موسس و دبیر کل انجمن مهندسی مالی ایران، موسس و رئیس انجمن حسابداری مدیریت ایران
ورئیس مرکز پژوهشی مهندسی مالی، تهران، ایران
Roodposhti.rahnama@gmail.com

محمدحامد خان محمدی

استادیار گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران
Dr.khanmohammadi@yahoo.com

زهره حاجیها

استاد گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
drzhajiha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

چکیده

امروزه کارایی و اثربخشی هر سازمان به شکل قابل توجهی به شیوه مدیریت و کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی بستگی دارد. همچنین مدیران می توانند با افزایش بازدهی پرتفوی و متعاقباً جذب نقدینگی موجود در اقتصاد کشور به ارتقاء فعالیت‌های مولد اقتصادی و کارایی بازارهای مالی کمک کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر منابع قدرت بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی به اجرا درآمد. این پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی می باشد. در این تحقیق اطلاعات مربوط به ۶۶ صندوق سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۹/۰۱/۰۱ تا ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ است که نمونه آماری را تشکیل داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که قدرت مدیران بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد، همچنین متغیر عملکرد شرکت به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی می شود.

واژه های کلیدی: قدرت مدیران ، عملکرد صندوق های سرمایه گذاری ، کیفیت گزارشگری مالی، ارزش خالص دارایی ها (NAV)

۱- مقدمه

کارایی و اثربخشی هر سازمان به شکل قابل توجهی به شیوه مدیریت و کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی بستگی دارد. طبیعی است که هر قدر سازمان‌ها و مؤسسات مختلف وسیعتر، گسترده‌تر، متنوع‌تر و تخصصی‌تر باشند، مشکلات و اهمیت اداره آنها نیز افزایش می‌یابد. امروزه نیاز به مدیریت و رهبری، در همه زمینه‌های فعالیتهای اجتماعی، محسوس و حیاتی است رهبری به عنوان یکی از وظایف کلیدی و مهم مدیریت به حساب می‌آید، زیرا سایر اجزای مدیریت نیز، باید در پرتو فکر، کار، ابداع و ابتکار آن شکل گیرند و پیاده شوند. بنابراین مدیران باید به امکانات و ابزارهای لازم برای حل مشکلات ناشی از اینگونه عوامل پیچیده و حساس مجهز شوند. از سوی دیگر مدیران هر ویژگی شخصیتی که داشته باشند یکی از وظایفشان در فراگرد مدیریت کنترل سازمانی است و برای کنترل سازمان الزاما باید از قدرت استفاده نمایند. در واقع در سازمان‌ها نفوذ مدیران رده بالا، متوسط و رده پایین بستگی به تأثیر آنها بر زیردستان دارد و درک آنچه که مدیران را مؤثر می‌سازد نیازمند تحلیلی از شبکه پیچیده روابط قدرت و فرایندهای تأثیرگذار که در تمام سازمان‌ها یافت می‌شود، می‌باشد (یوکل، ۱۹۸۹) برای نفوذ موفقیت آمیز در رفتار دیگران، رهبر باید از تأثیر قدرت بر شیوه‌های مختلف رهبری آگاه باشد. بنابراین استفاده صحیح از قدرت میتواند عملکرد مدیران را در مقام رهبران سازمانی بهبود بخشد. از طرفی مدیر در نقش رهبر بر عملکرد گروهی تأثیر بسزایی دارد و به عنوان یک رکن اساسی در پیشبرد اهداف سازمان مطرح است. در واقع قدرت، ویژگی اساسی نقش یک مدیر بوده و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد. مدیران در سازمانها، واضعان خطمشی و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمانها با قدرت آنان در ارتباط است. از این رو استفاده از انواع منابع قدرت در سازمان به لحاظ تعهد یا بیگانگی اعضای سازمان اثرات خاص خود را دارند و اهمیت این مسأله به ویژه در ادارات کل که تصمیم‌گیری و برنامه ریزی کل استان در آن صورت می‌گیرد، تعهد و بیگانگی آن‌ها نسبت به کار تأثیر مستقیم بر وضعیت استان چشمگیرتر است. لذا منابع قدرت مورد استفاده مدیران می‌تواند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و به طور کلی سازمان را در راستای تحقق و پیشبرد اهداف سازمانی توانا سازد و یا باز دارد که این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۱).

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- قدرت

کارایی و توسعه هر سازمان تا حد زیادی به استفاده صحیح از نیروی انسانی بستگی دارد. مدیران در سازمانها، واضعان خطمشی و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمانها با قدرت آنان در ارتباط است. مدیران با به‌کارگیری منابع قدرت میتوانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد. قدرت ویژگی اساسی نقش مدیر بوده است و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد و پدیده اجتناب‌ناپذیر در سازمان است که بعضی از مدیران به آن به عنوان پدیده‌های منفی می‌نگرند. واقعیت این است که منفی یا مثبت بودن قدرت به قضاوت و نوع کاربرد آن بستگی دارد، به گونه‌ای که اگر هدف از قدرت، اهداف سازمانی باشد میتواند پدیده‌های مثبت و کارکردی به شمار آید و اگر هدف دستیابی به اهداف شخصی و

فردی باشد، مطمئناً پدیده های منفی و زشت خواهد بود (ملاحسینی و کهنوجی، ۱۳۹۲)، بنابراین قدرت یکی از واقعیت های مهم حیات سازمانی است. مدیران نه تنها باید آن را جزء جدانشدنی شغل و وظیفه خود به حساب آورند بلکه باید با شیوه کاربرد آن آشنا باشند تا با استفاده صحیح از آن تحقق و تأمین هدفهای خود و سازمان را تسریع کنند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲-۲- ارزیابی عملکرد صندوق های سرمایه گذاری:

ارزیابی عملکرد، شامل دو اقدام اساسی است، اولین اقدام در ارزیابی عملکرد، تعیین مطلوب یا نامطلوب بودن عملکرد است. دومین اقدام مشخص نمودن این امر است که آیا عملکرد مذکور ناشی از شانس و اقبال بوده یا در نتیجه تخصص، حاصل شده است. متأسفانه در عمل، مشکلاتی در رابطه با انجام هر دو وظیفه مذکور وجود دارد. (شارپ و بایلی و الکساندر، ۱۹۹۹)

یکی از مشکلات اصلی در ارزیابی عملکرد، تمایل انسانی به تمرکز بر بازده پرتفوی و عدم توجه کافی به ریسک متحمل شده برای کسب بازده مورد نظر است. در صورتی که، ارزیابی عملکرد باید شامل شناسایی همزمان بازده و ریسک سرمایه گذاری باشد (استرانگ، ۱۹۹۹)

در برخی از مجلات مالی شاهد رتبه بندی صندوق ها بر اساس نرخ بازده آنها هستیم. هنگام تفسیر این رتبه بندی ها که صرفاً بر مبنای نرخ بازده سالانه صورت گرفته است، باید به این نکته توجه داشت که این رتبه بندی ها ممکن است نشان دهنده عملکرد خوب صندوق نباشد و صرفاً ناشی از شرایط بازار باشد و در بلند مدت نوسان های شدیدی در رتبه بندی صندوق ها صورت گیرد. این نوسانات در رتبه بندی ها، به دلیل این واقعیت است که بتاهای صندوقها متفاوت است و شرایط بازار نیز مدام در حال تغییر است. هنگامیکه بازار راکد است، صندوق های با بتای کمتر، بازده بیشتری را نشان میدهند و هنگامی که بازار در حال رونق است، صندوقهای مشترک با بتای بیشتر، بازده بیشتری را نشان میدهند. ما نیازمند معیارهایی برای سنجش عملکرد هستیم که نسبت به ریسک نسبی و شرایط بازار حساسیت نداشته باشد. به همین سبب ما باید از معیارهای عملکرد تعدیل شده از بابت ریسک، برای ارزیابی عملکرد صندوق ها استفاده کنیم. (هاگن، ۲۰۰۴)

۲-۳- کیفیت گزارشگری مالی

افراد جهت تصمیم گیری نیاز به اطلاعات مالی دارند. یکی از منابع تأمین اطلاعات مالی، حسابداری است. در مبنای نظری گزارشگری مالی به نقش اطلاعات مالی و مفید بودن آن در تصمیم گیری افراد اشاره شده است. هیأت استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه مفهومی شماره اهداف گزارشگری مالی را به این صورت بیان می کند:

"گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را که سرمایه گذاران فعلی و بالقوه، اعتباردهندگان و سایر استفاده کنندگان برای تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری، تأمین مالی و تصمیمات مشابه لازم دارند را فراهم آورد" (عرب صالحی و اخلاقی، ۱۳۹۰).

فراهم آوردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای استفاده کنندگان برون سازمانی از دغدغه‌های اصلی مدیریت و سیستم‌های اطلاعات حسابداری به شمار می‌رود از این رو توجه به کیفیت اطلاعات تهیه شده برای این افراد ضرورت خاصی دارد بنابراین سودمندی صورتهای مالی یا سایر گزارش‌های مالی، تحت تأثیر کیفیت گزارشگری قرار می‌گیرد (ثقفی و عرب مازار یزدی، ۱۳۸۹).

کیفیت گزارشگری مالی سبب ارتقای سودمندی اطلاعات مالی می‌شود، البته کیفیت گزارشگری مالی فقط منعکس کننده اطلاعات مالی نیست (منتشری، ۱۳۹۴)، بلکه افشا و دیگر اطلاعات غیر مالی مفید برای تصمیم‌گیری را نیز شامل می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین واضح است که قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران برای داشتن گزارشگری مالی با کیفیت بیشتر، هم عقیده هستند زیرا اعتقاد نهایی این است که کیفیت گزارشگری مالی به طور مستقیم روی بازارهای سرمایه اثر گذار است. از این رو با توجه به این که کیفیت گزارشگری مالی تأثیر با اهمیتی بر بازارهای سرمایه دارد می‌توان نتیجه گرفت که در سطح کلان، کیفیت گزارشگری مالی دارای اثرات اقتصادی است (منتشری، ۱۳۹۴).

در پی رسوایی‌های مالی اخیر نظیر انرون، ورلدکام و پارمالات، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم‌های گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده مطرح شده است. در نتیجه، تعیین کیفیت حسابداری منتج از سیستم‌های گزارشگری مالی و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها قرار گرفته است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۱).

۴-۲- پیشینه پژوهش

کومار و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با تکیه بر حساب سود انباشته و حساب شناخت‌انگیزی، بررسی کردند که چگونه اعضای کانال به رهبر کانال اعتماد می‌کنند زمانی که رهبر کانال از منابع مختلف قدرت غیر اجباری (مانند قدرت مبتنی بر مرجعیت، تخصص، مشروعیت و پاداش) استفاده می‌کند. علاوه بر این، این مطالعه تغییرات اعتماد اعضای کانال به رهبر کانال را زمانی که هر منبع قدرت غیر اجباری با منابع قدرت اجباری همراه است، بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که منابع قدرت مبتنی بر تخصص و پاداش، اعتماد را به رهبران کانال افزایش می‌دهد در حالی که تعهد عاطفی، تأثیر همه منابع قدرت غیر اجباری بر اعتماد را واسطه می‌کند. علاوه بر این، قدرت اجباری تأثیرات قدرت مبتنی بر تخصص بر اعتماد را تضعیف می‌کند.

ساوالانن (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با تکیه بر گونه‌شناسی قدرت اجتماعی که توسط فرنچ و ریون توسعه داده شده است، روابط بین رفتار اطلاعاتی و قدرت را با بررسی چگونگی ظاهر شدن قدرت مبتنی بر تخصص در ویژگی‌های رهبری اعتقادی ارائه شده در ادبیات تحقیق توضیح می‌دهد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که قدرت مبتنی بر تخصص به توانایی رهبری اعتقادی برای تأثیرگذاری بر افکار، نگرش‌ها و رفتار سایر افراد از طریق به اشتراک گذاری اطلاعات، به دلیل داشتن چنین دانش و مهارت‌هایی که توسط دیگران ارزشمند است، اشاره دارد.

مک دونالد (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی نیروهای پویا در محیط سازمان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد: جمعیت، اقتصاد، دولت و سازمان های معتبر، رقابت، رهبری، و قدرت را تحت تاثیر قرار می دهند. وی هم چنین این عقیده را مورد تاکید قرار داد که تمایل به کسب قدرت می تواند یک عامل انگیزشی کلیدی برای بسیاری از افراد به حساب آید و در سرتاسر سطوح اختیارات رسمی وجود دارد.

کاشال (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین قدرت سازمانی، فرهنگ جمعی و مدیریت تعارض پرداخت. نتایج نشان داد که قدرت سازمانی، فرهنگ جمعی و مدیریت تعارض با هم ارتباط معناداری دارند. وی هم چنین استدلال نمود که قدرت نسبت به فرهنگ جمعی، پیش بینی کننده قوی تری برای مدیریت تعارض می باشد.

کلر (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی عوامل تاثیر گذار بر تعارض قدرت پرداخت. نتایج نشان داد که تعارض قدرت رابطه قوی و معناداری با استرس و گردش مالی بیشتر دارد. وی هم چنین استدلال نمود که گروه های با میانگین بالاتر برونگرایی و میانگین پایین تر توافق پذیری، تمایل بیش تر به تعارض قدرت دارند. در مقابل، در گروه های هدف گرا تعارض قدرت کم تر مشاهده می شود.

کارن (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه ادراکات دانشجویان و قدرت اساتید پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که بین ادراکات دانشجویان و قدرت اساتید، رابطه معناداری وجود دارد. وی هم چنین بیان نمود که رفتار دانشجویان در کلاس درس تحت تاثیر قدرت و منابع قدرت اساتید مربوطه می باشد.

اسریواستاوا و همکاران (۲۰۱۵) در یک پژوهش دریافته اند که قدرت دادن به رهبران، باعث افزایش به اشتراک گذاشتن دانش در سازمان می شود. حصول منابع قدرت در سازمان باعث می شود تا فرصت های بیش تری برای اعضا فراهم آید، نیاز بیش تری به اشتراک اطلاعات احساس گردد و دستیابی به اهداف گروه بیش از پیش میسر گردد.

گولدن و کارپنتر (۲۰۱۴) در پژوهشی استدلال کردند که اختیار و قدرت با هم رابطه معناداری دارند. آنان اظهار نمودند افرادی که احساس می کنند اختیار کمی دارند، استنباط می کنند که دارای قدرت کم تری نیز هستند.

کورپی (۲۰۰۴) در پژوهشی بیان می نماید که وجود توازن قدرت بین کارمندان و مدیران بستگی به دو عامل اساسی دارد. یکی وجود منابع قدرت در دسترس برای هر یک از طرفین و دیگری این که تا چه حد تعامل چانه زنی راهبردی قدرت موجود را متعادل می نماید.

پورقاز و محمدی (۱۳۹۰)، در مطالعه ای که به بررسی رابطه ی بین منابع قدرت مدیران با ویژگی های شخصیتی کارآفرینی کارکنان، پرداختند به این نتایج دست یافتند که منبع قدرت غالب در بین مدیران از دیدگاه کارکنان، قدرت مرجعیت است. هم چنین بین منبع قدرت پاداش مدیران با تحمل ابهام، ریسک پذیری، توفیق طلبی و مرکز کنترل درونی کارکنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد هم چنین بین منابع قدرت قانون و تخصص مدیران با خلاقیت و تحمل ابهام کارکنان، منبع قدرت مرجعیت مدیران با خلاقیت و توفیق طلبی کارکنان و قدرت اجبار مدیران با استقلال طلبی کارکنان رابطه ی مستقیم و معناداری مشاهده شد.

ماهین (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی ظرفیت شکست‌پذیری وجوه دارای مدیریت فعال در طول رکود بازار می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که صندوق سرمایه‌گذاری هندی با مدیریت فعال با بازار همکاری می‌کند و توانایی شکست دادن بازار را ندارد.

ادوارد گراهام و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی شرایطی را بررسی می‌کند که باعث می‌شود صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک به عملکرد ضعیف یا بهتر از رقبای برسد. صندوق‌هایی با کارمزد مدیریت پایین و کارمزد مداوم پایین، نسبت‌های شارپ جذاب و بازده بالایی دارند. به همین ترتیب، صندوق‌های بزرگ با رتبه‌بندی Morningstar خوب، نسبت‌های شارپ و بازده خوبی دارند، اغلب زمانی است که مدیران صندوق‌ها دوره کوتاهی دارند.

چن و همکاران (۲۰۱۷) معیاری جدید برای اندازه‌گیری عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت عنوان نسبت کارایی ارائه دادند. این نسبت از حداقل انحراف جهانی سبد به عنوان مبنای مقایسه استفاده می‌کند. فریرا و شیپر و راموس در سال ۲۰۱۵ پژوهشی را بر روی ۱۰۵۶۸ صندوق سرمایه‌گذاری با مدیریت فعال در ۱۹ کشور جهان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ انجام دادند. آنها در این پژوهش از یک مدل ۴ عاملی که پارامترهای سن، اندازه، کارمزد و ساختار مدیریت صندوق را مد نظر قرار می‌داد، استفاده نمودند. پژوهش آنها نتایج گسترده‌ای در پی داشت. آنها دریافتند که عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در کشورهایی که نهادهای قانونی قوی‌تری دارند، بهتر است. یکی دیگر از نتایج پژوهش آنها نشان داد که در زمان وجود سرمایه‌گذاری خارجی، صندوق‌هایی که دارای سن کمتری هستند عملکرد بهتری برای سرمایه‌گذاران خود فراهم می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که صندوق‌های با کارمزد بالاتر، عملکرد بهتری دارند.

دونالد لاین (۲۰۰۵) در خصوص ارتباط بین رتبه‌بندی‌های صورت‌گرفته بر اساس سه شاخص شارپ، سورتینو و پتانسیل مطلوب پژوهشی انجام داد. وی در پژوهش خود به مسأله نمایندگی اشاره و بیان نمود که صندوق‌های سرمایه‌گذاری به این دلیل که مؤسسات مالی هستند که با پس‌انداز سرمایه‌گذاران و از جانب آنها اقدام به خرید و فروش و تشکیل پرتفوی می‌نمایند، نقش نمایندگی روشن و بی‌بدیلی را ایفا می‌کنند و باید برای ارزیابی عملکرد آنها از چند شاخص مختلف استفاده نمود. وی در پژوهش خود به سه قضیه در خصوص ارتباط رتبه‌بندی شاخص‌های شارپ، سورتینو و پتانسیل مطلوب و ارتباط آن با نوع توزیع بازده‌های صندوق‌ها، دست یافت. این سه قضیه در این بخش ذکر می‌شوند. قضیه شماره (۱) اگر نوع توزیع بازدهی از نوع نرمال باشد، آنگاه رتبه‌بندی‌های صورت‌گرفته توسط شاخص‌های مذکور به صورت یکسان خواهد بود. قضیه شماره (۲) اگر توزیع بازدهی دارای چولگی منفی باشد، باز هم رتبه‌بندی‌های شاخص‌های مذکور یکسان خواهد بود. قضیه شماره (۳) اگر توزیع بازدهی دارای چولگی مثبت باشد، ارتباط بین شاخص سورتینو و شاخص پتانسیل مطلوب با شاخص شارپ متفاوت خواهد بود.

لاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان نموده‌اند که از آنجایی که شرکتهای سرمایه‌گذاری با ایجاد سبدهای سهام، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند، باید از مدیرانی استفاده نمایند که توان کافی جهت ایجاد سبد بهینه‌ای از سرمایه‌گذاریها را داشته باشند. بنابراین با توجه به اهمیت نقش مدیران در این شرکتهای، باید

عملکرد آنها مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. هدف پژوهش آنها ارزیابی عملکرد مدیران شرکتهای سرمایه گذاری بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدلهای کیم، فاما-فرنچ و کارهارت میباشد. سوال اصلی پژوهش این است که کدامیک از این مدلها در ارزیابی عملکرد مدیران نسبت به دو مدل دیگر از دقت بالاتری برخوردار است؟ جهت پاسخ به این پرسش، داده های شرکتهای سرمایه گذاری بورس اوراق بهادار تهران، در ۳۵ دوره ماهانه مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش پنل دیتا فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که در ارزیابی عملکرد مدیران شرکتهای سرمایه گذاری مدل کارهارت نسبت به دو مدل کیم و فاما-فرنچ از دقت بالاتری برخوردار است.

در پژوهش قالیباف اصل و همکاران (۱۳۹۴) اشاره شده است که صندوق های مشترک سرمایه گذاری گونه ای از نهادهای مالی هستند که وجوه دریافتی از افراد را به مجموعه ای از اوراق بهادار تخصیص داده و هر فرد به نسبت سهم خود در مجموعه، از سود و یا ضررهای حاصل از این سرمایه گذاری سهم می برد. با توجه به اینکه این نوع صندوق ها ابزاری برای سرمایه گذاری افراد ریسک گریز و بدون تخصص هستند، بازدهی حاصل از نحوه عملکرد مدیران آنها بسیار اهمیت می یابد. فارغ از تمام عوامل خارجی که بر این مقوله اثرگذار هستند، ویژگی های شخصیتی افراد نیز می تواند اثر قابل توجهی بر تصمیم گیری و عملکرد مدیران نهادهای مالی داشته باشد. از جمله این ویژگی ها می توان به میزان ریسک گریزی مدیران اشاره نمود. در نتیجه این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان ریسک گریزی مدیران و عملکرد نهادهای مالی در بازار سرمایه به صورت خاص صندوق های مشترک سرمایه گذاری صورت گرفته است. برای محاسبه عملکرد صندوق ها، چهار شاخص: بازده، ریسک پرتفوی، نسبت فعالیت معاملاتی و تنوع پرتفوی بررسی شد و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا از طریق تحلیل مولفه های اصلی، متغیرهای موثر و با اهمیت در عملکرد، از میان چهار شاخص تعیین و به وسیله رگرسیون حداقل مربعات، مدل تخمین زده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که میان ریسک گریزی مدیران و عملکرد صندوق های سرمایه گذاری رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

کاواسی و همکاران (۲۰۲۱) ایجاد رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی (تخصص هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره)، کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از شواهد از موسسات مالی اوگاندا را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان می دهد که تخصص هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره به طور قابل توجهی با کیفیت گزارشگری مالی مرتبط است. همچنین کیفیت حسابرسی داخلی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری دارد. استقلال هیئت مدیره پیش بینی کننده قابل توجهی برای کیفیت گزارشگری مالی نیست.

کورنچای و خاجیت (۲۰۲۱) در مقاله ای اثرات حسابداری دیجیتال را بر کیفیت گزارشگری مالی، سودمندی اطلاعات حسابداری و اثربخشی تصمیم استراتژیک شرکت های پذیرفته شده در تایلند از طریق تحول دیجیتال به عنوان متغیر تعدیل کننده بررسی نموده اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که حسابداری دیجیتال بر کیفیت گزارشگری مالی، سودمندی اطلاعات حسابداری و اثربخشی تصمیم استراتژیک تأثیر معناداری دارد. کیفیت گزارشگری مالی به طور قابل توجهی هم سودمندی اطلاعات حسابداری و هم اثربخشی تصمیم استراتژیک را تحت

تأثیر قرار می‌دهد در حالی که سودمندی اطلاعات حسابداری تأثیر قابل توجهی بر اثربخشی تصمیم‌گیری استراتژیک دارد. هم کیفیت گزارشگری مالی و هم سودمندی اطلاعات حسابداری رابطه اثربخشی تصمیمات استراتژیک حسابداری دیجیتال را واسطه می‌کنند. علاوه بر این، تحول دیجیتال رابطه کیفیت حسابداری دیجیتال-گزارش مالی و رابطه سودمندی اطلاعات حسابداری دیجیتال-حسابداری را تعدیل می‌کند، اما سایر روابط را تعدیل نمی‌کند.

نانگی و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که خط مشی حسابداری اتخاذ شده توسط یک واحد تجاری، همراه با سطح تقریب‌های انجام شده توسط مدیریت در صورت‌های مالی، می‌تواند ارتباط و قابلیت اطمینان آنها را افزایش دهد یا به اعتبار تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط استفاده‌کنندگان از این گزارش‌ها آسیب برساند. یافته‌ها نشان داد که رویه‌ها و قضاوت‌های اشتباه حسابداری ممکن است کیفیت گزارش‌های مالی را همراه با عوامل دیگر تحت تأثیر قرار دهد.

لی (۲۰۰۸) طی تحقیقی با عنوان کیفیت گزارشگری مالی و مبادلات سهام به ارزیابی تفاوت‌های سیستماتیک در کیفیت حسابداری بین مؤسسات خارجی پذیرفته شده در بازار سهام آمریکا و مؤسسات خارجی پذیرفته شده در بازار سهام انگلیس پرداخت. نمونه تحقیق متشکل از ۴۷۶۷ مشاهده سال - شرکت از ۵۵ شرکت طی دوره ۲۰۰۶ - ۱۹۹۸ می‌باشد که برای انجام این تحقیق از داده‌های موجود در پایگاه داده DataStream و نیز از پایگاه داده‌های بورس نیویورک و نزدک و مرکز تحقیقات قیمت سهام (CRSP) استفاده گردید. این تحقیق بر اساس تحقیق بارث و همکاران است، هر چند که محقق از مدل‌های دیگری هم استفاده نموده است با این حال تحقیق مذکور شاخص‌های کیفیت حسابداری عبارتند از مدیریت سود، شناسایی به موقع زیان و مربوط بودن ارزش است. نتایج نشان می‌دهد که احتمال زیادی وجود دارد که مؤسسات با کیفیت حسابداری پایین‌تر، در یکی از بازارهای سهام انگلیس پذیرفته شوند تا در بازارهای سهام آمریکا. همچنین مؤسسات جابه‌جا شده‌ای که از لیست بازار سهام آمریکا حذف شده‌اند و اخیراً در لیست بازار سهام انگلیس قرار گرفته‌اند به عنوان مؤسسات با کیفیت حسابداری پایین مشخص می‌شوند. در مجموع بازار سهام آمریکا تمایل به جذب و نگهداری مؤسسات بین‌المللی با کیفیت حسابداری بالا دارد و مؤسسات بین‌المللی با کیفیت حسابداری پایین‌تر برای انتشار جدید سهام را ناامید می‌کنند.

سینگر و همکاران (۲۰۰۹) اثر بخش ۴۰۴ قانون ساربنز - آکسلی را بر کیفیت گزارشگری مالی، بررسی کردند. آنها به دنبال پاسخگویی به این سؤال بودند که آیا به کارگیری بخش ۴۰۴ قانون ساربنز - آکسلی به بهبود کیفیت گزارشگری مالی کمک می‌کند و همچنین منجر به اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارشگری مالی می‌گردد. نتایج بیانگر آن است که شرکت‌هایی که ملزم به اجرای بخش ۴۰۴ بودند، در دو سال اول اجرای آنها کیفیت گزارشگری مالی آنها نسبت به گروه کنترل که ملزم به اجرای آن نبودند، بیشتر افزایش یافت. همچنین کاهش گزارشگری عمومی نادرست به بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های اجراکننده کمک می‌کند. عکس‌العمل قوی‌تری به سود شرکت‌های مجری نسبت به شرکت‌های کنترل، نشان‌دهنده‌ی بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران می‌باشد.

به طور کلی نتایج بیانگر آن است که بخش ۴۰۴ در دست یابی به هدف اصلی قانون یعنی حمایت از سرمایه گذار و بهبود اعتماد آنها به بازار سهام از طریق بهبود وصحت و قابلیت اتکای افشای شرکت، موثر است. هپ و همکاران (۲۰۱۱) برای اولین بار به بررسی کیفیت گزارشگری در شرکتهای خصوصی در مقابل شرکتهای دولتی ایالات متحده آمریکا در نمونه ای بزرگ متشکل از ۹۹۱۷۸ شرکت کاملاً خصوصی در طی دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۰۹ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان میدهد به دلیل این که پراکندگی مالکیت و جدایی مالکیت از مدیریت در شرکتهای دولتی (و همچنین مقررات اضافی حاکم بر شرکتهای دولتی) نسبت به شرکتهای خصوصی بیشتر است بنابراین، کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای دولتی بیشتر خواهد بود و تقاضا برای اطلاعات مالی باکیفیت بالا بیشتر است. این ویژگی های مالکیت عدم تقارن اطلاعاتی طبیعی ایجاد می کند، منجر به تقاضای بیشتر برای کسب اطلاعات با کیفیت بالاتر از دینفعان مختلف خارجی می گردد. علاوه بر این، عموماً شرکتهای خصوصی با پراکندگی مالکیت بیشتر کیفیت گزارشگری مالی پایین تری ارائه میدهند و شرکت ها با نیازهای تأمین مالی خارجی بالاتر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر ارائه می دهند.

وردی (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری در نمونه ای متشکل از ۳۸۰۶۲ مشاهده در طی سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ پرداخت. در این تحقیق کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از مدل جونز و از طریق نماگر کیفیت اقلام تعهدی بررسی گردید و نشان داده شد که شاخص های کیفیت گزارشگری مالی هم با سرمایه گذاری کمتر از حد و هم با سرمایه گذاری بیش از حد رابطه ای منفی دارد. گذشته از این وی دریافت که ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی با سرمایه گذاری بیش از حد برای شرکتهایی که دارای مانده وجه نقد بیشتری هستند و سرمایه گذاران پراکنده ای دارند، بسیار قوی است که این امر خود به این نکته اشاره دارد که کیفیت گزارشگری مالی عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از مشکلات نمایندگی و در نتیجه هزینه سهامداران برای نظارت و پایش مدیریت را کاهش داده، به گزینش صحیح پروژه ها منجر می گردد. وی همچنین نشان داد رابطه کیفیت گزارشگری مالی با سرمایه گذاری کمتر از حد برای شرکتهایی که با محدودیت در امر تأمین مالی مواجه بوده اند قوی تر است. در نهایت محقق در این پژوهش اثبات می کند که رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت اقلام تعهدی) و کارایی سرمایه گذاری برای شرکت های دارای محیط اطلاعاتی با کیفیت پایین، قوی تر است.

قربانی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر نوسان بازده غیر متعارف سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار می دهد. در این پژوهش برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی از شاخص کیفیت سود بر اساس مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) و برای محاسبه نوسان بازده غیر متعارف سهام نیز از مدل سه عاملی فاما و فرنچ (۱۹۹۳) استفاده شده است. تحلیل داده های این پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه با استفاده از داده های ترکیبی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که کیفیت گزارشگری مالی بر نوسان بازده غیرمتعارف سهام تأثیری معکوس دارد. همچنین نتایج پژوهش دلالت بر وجود تأثیر مستقیم متغیر های بازده سالانه سهام، اهرم مالی، جریان نقدی عملیاتی سال آینده، بر نوسان بازده غیرمتعارف سهام و نیز تأثیر معکوس اندازه شرکت بر نوسان بازده غیرمتعارف سهام، دارد.

۳- فرضیه های پژوهش

۳-۱- فرضیه های اصلی پژوهش

- ۱) قدرت مدیران می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۲) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۳) قدرت مدیران می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۴) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

۳-۲- فرضیه های فرعی پژوهش

- ۱) قدرت مبتنی بر جبر می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۲) قدرت مبتنی بر جبر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۳) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر جبر و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
- ۴) قدرت مبتنی بر پاداش می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۵) قدرت مبتنی بر پاداش می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۶) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر پاداش و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
- ۷) قدرت مبتنی بر قانون می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۸) قدرت مبتنی بر قانون می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۹) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر قانون و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
- ۱۰) قدرت مبتنی بر تخصص می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۱۱) قدرت مبتنی بر تخصص می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۱۲) عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر تخصص و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
- ۱۳) قدرت مبتنی بر مرجعیت می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
- ۱۴) قدرت مبتنی بر مرجعیت می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
- ۱۵) ۱۵- عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر مرجعیت و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

۴- جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل کل صندوق های سرمایه گذاری مشترک و مدیران این صندوق ها در بازار سرمایه ایران می باشد و داده های آمار طی سال ۱۳۹۹ از سایت مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران استخراج و همچنین مدیران این صندوق ها از طریق پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفتند. به طور کلی با توجه به اینکه بخشی از داده ها را بصورت اسنادی از صورت های مالی و گزارشات صندوق ها استخراج و بخش دیگر که مربوط به منابع قدرت است از پرسشنامه استخراج می شود بنابراین جامعه آماری این پژوهش صندوق های سرمایه گذاری در بورس می باشند. پرسشنامه استاندارد بین نمونه آماری متشکل از کارمندان صندوق های سرمایه گذاری توزیع شد و در نهایت با توجه به حجم کم جامعه، کل جامعه پس از حذف صندوق هایی که پایان دوره مالی آنها متفاوت بود و صورتهای مالی آنها در بازه زمانی مورد پژوهش در دسترس نبود و همچنین صندوق هایی که پرسشنامه آنها واصل نگردید، به عنوان نمونه انتخاب گردید. تعداد صندوق های نمونه نهایتاً به ۶۶ مورد رسید.

۵- روش تحقیق

از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اسنادی می باشد.

۶- مدل های تحقیق

مدل شماره (۱)

$$NAV_i = \beta_0 + \beta_1 power_i + \beta_2 lev_i + \beta_3 Size_i + \varepsilon_i$$

مدل شماره (۲)

$$NAV_i = \beta_0 + \beta_1 Coercive_i + \beta_2 Reward_i + \beta_3 Legitimate_i + \beta_4 Expert_i + \beta_5 Referent_i + \beta_6 lev_i + \beta_7 Size_i + \varepsilon_i$$

مدل شماره (۳)

$$QR = \beta_0 + \beta_1 power_i + \beta_2 NAV_i + \beta_3 power_i \times NAV_i + \beta_4 lev_i + \beta_5 Size_i + \varepsilon_i$$

مدل شماره (۴)

$$QR = \beta_0 + \beta_1 Coercive_i + \beta_2 Reward_i + \beta_3 Legitimate_i + \beta_4 Expert_i + \beta_5 Referent_i + \beta_2 NAV_i + \beta_1 Coercive_i \times NAV_i + \beta_2 Reward_i \times NAV_i + \beta_3 Legitimate_i \times NAV_i + \beta_4 Expert_i \times NAV_i + \beta_5 Referent_i \times NAV_i + \beta_6 lev_i + \beta_7 Size_i + \varepsilon_i$$

متغیر های تحقیق

انجام هر پژوهش مستلزم تعیین و تعریف هر یک از متغیرهای آن می باشد. متغیرها بر اساس نقشی که در پژوهش به عهده دارند به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) متغیر وابسته

در پژوهش حاضر دو متغیر وابسته وجود دارد که عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی که در دو مدل متفاوت به بررسی تاثیر متغیر منابع قدرت بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته می‌شود.

عملکرد صندوق های سرمایه گذاری

در این پژوهش برای سنجش عملکرد صندوق های سرمایه گذاری از شاخص NAV استفاده خواهد شد. در مورد ارزش خالص دارایی، فرمول کلی محاسبه خالص ارزش دارایی های شرکت به صورت زیر می‌باشد:

$$NAV = \frac{\text{ارزش کل بدهی‌ها} - \text{ارزش کل دارائیه‌ها}}{\text{تعداد سهام منتشره}}$$

کیفیت گزارشگری مالی (QR)

معیار کیفیت گزارشگری مالی در این پژوهش براساس مدل کیفیت اقلام تعهدی مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) اندازه‌گیری می‌شود.

مدل دیچاو و دیچو

کانون توجه مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) بر اقلام تعهدی سرمایه در گردش استوار است. براین اساس، سود برابر با جریان نقدی و اقلام تعهدی است. از دیدگاه حسابداری، برای هر جریان نقدی، دو رویداد مهم عبارت است از دریافت یا پرداخت جریان نقدی و شناخت آن جریان نقدی در سود (به صورت درآمد یا هزینه). برای مثال جریان نقد دوره قبل نشان می دهد که جریان نقدی پس از این که مبلغ مورد نظر در سود شناسایی شد، رخ می دهد. (مانند وصول حساب های دریافتی). جریان نقد دوره جاری نشان می دهد که جریان های نقدی در همان دوره ای دریافت یا پرداخت می شوند که در سود شناسایی شده اند. در نهایت، جریان نقد دوره آتی نشان می دهد که وصول یا پرداخت جریان نقدی قبل از این که درآمد یا هزینه در سود شناسایی شود، صورت می گیرد (مانند پیش پرداخت خرید کالا). بنابراین کل جریان های نقدی دوره عبارت است مجموع جریان های نقدی گذشته، حال و آینده.

$$\Delta WC_{i,t} \quad (TACC)_{i,t} = \alpha + \beta_1 OCF_{i,t-1} + \beta_2 OCF_{i,t} + \beta_3 OCF_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

$\Delta WC_{i,t}$: تغییر در خالص سرمایه در گردش همگن شده به ارزش دفتری دارایی های اول دوره

$TACC_{i,t}$: کل اقلام تعهدی همگن شده به ارزش دفتری دارایی های اول دوره

$OCF_{i,t-1}$: جریان نقد عملیاتی دوره گذشته همگن شده به ارزش دفتری دارایی های اول دوره

$OCF_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی دوره جاری همگن شده به ارزش دفتری دارایی های اول دوره

$OCF_{i,t+1}$: جریان نقد عملیاتی دوره آینده همگن شده به ارزش دفتری دارایی های اول دوره

$$QR = |\varepsilon_{i,t}|$$

قدر مطلق باقی مانده های مدل دیچاو و دیچو ، کیفیت گزارشگری مالی را می سنجد. (توجه داشته باشید که در این پژوهش چون نمونه آماری صندوق های سرمایه گذاری می باشند لذا بجای جریان نقد عملیاتی از گردش خالص دارایی ها استفاده شده است).

۶-۲- متغیرهای مستقل:

منابع قدرت (power)

در این پژوهش از پرسشنامه قدرت رهبری رحیم (RLPI) استفاده شده که در پژوهش های متعددی نشان داده شده که از ویژگی های روان سنجی نیز برخوردار است (لام، ۱۹۹۷. رحیم و ماگر، ۱۹۹۶. هس و واگر، ۱۹۹۹). پژوهش رحیم و ماگنر (۱۹۹۶) با سه جامعه آماری داخلی (جمعا ۱۴۷۴ نفر) و دو نمونه خارجی (جمعا ۹۷۸ نفر) شواهدی کافی برای تصدیق اعتبار این مدل فراهم کردند. پژوهش های مذکور و سایر پژوهش هایی هم چون پژوهش رحیم و همکاران (۱۹۹۴) از اعتبار ساختاری این مدل حمایت می کند (رحیم، ۲۰۱۴). این پژوهش از مقیاس لیکرت ۵ امتیازی برای اندازه گیری مشاهدات یا ادراکات زیردستان در خصوص مبانی قدرت مدیران استفاده خواهد کرد. اخذ امتیاز بالاتر نشان دهنده قدرت بیشتر مدیر است (رحیم، ۲۰۱۴).

شیوه نمره گذاری

این پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شده است.

شیوه نمره گذاری پرسشنامه

عنوان	کاملا موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملا مخالفم
امتیاز	۵	۴	۳	۲	۱

زیرمقیاس پرسشنامه

این پرسشنامه دارای ۵ زیرمقیاس می باشد. سوالات مربوط به هر مقیاس به صورت جدول زیر می باشد.

ابعاد	تعداد گویه ها	شماره سوالات
قدرت مبتنی بر تخصص (Expert)	۷	۱ تا ۷
قدرت مبتنی بر ارجاع (Referent)	۷	۸ تا ۱۴
قدرت مبتنی بر پاداش (Reward)	۷	۱۵ تا ۲۱
قدرت مبتنی بر اجبار (Coercive)	۷	۲۲ تا ۲۸
قدرت مبتنی بر قانون (Legitimate)	۶	۲۹ تا ۳۴

۷- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

واکوی اطلاعات فرایندی چند مرحله ای است که طی آن پس از گردآوری داده ها و محاسبه مقادیر متغیرهای مورد نظر برای آزمون فرضیه های پژوهش، اطلاعات حاصله مورد آزمون قرار گرفته و بر اساس یافته حاصل از آزمون ها، نسبت به تایید یا رد و تفسیر آنها اقدام می گردد.

این قسمت مشتمل بر دو گفتار اصلی است : گفتار نخست به آمار توصیفی اختصاص دارد که در آن داده های پژوهشی با استفاده از شاخص های مرکزی و پراکندگی ارائه می گردند، در گفتار دوم نیز پس از تعیین الگوی داده های مورد بررسی و آزمون مفروضات مدل های رگرسیونی و اطمینان از برقراری آنها معادله رگرسیون برازش گردیده و بر فرضیه های پژوهشی مورد آزمون قرار می گیرند.

۷-۱- آمار توصیفی

جدول ۱. آمار توصیفی

شرح	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف استاندارد
QR	0.0442	0.0768	0.9832	-0.6559	0.4041
NAV	30013431	13777406	307000000	59003	53935663
Expert	3.8987	3.8286	4.4857	3.3714	0.3343
Referent	3.9013	3.8857	4.5143	3.3714	0.3138
Reward	3.8749	3.7857	4.4000	3.2571	0.3341
Coercive	3.8571	3.7714	4.3714	3.2286	0.3407
Legitimate	3.8712	3.8333	4.5000	3.3667	0.3378
power	3.8806	3.6871	4.3524	3.3590	0.3171

۷-۲- آزمون همبستگی بین متغیرها

جدول زیر همبستگی میان متغیرها را با یکدیگر نشان می دهد میزان همبستگی شامل اعدادی مابین ۱- تا ۱ می باشد زمانی که برابر با ۱ شود این موضوع را نشان می دهد که دو متغیر به طور کامل و به طور مستقیم رابطه دارند و بالعکس.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای پژوهش

power	Legitimate	Coercive	Reward	Referent	Expert	NAV	QR	
							1	QR
						1	0.488	NAV
					1	0.644	0.730	Expert
				1	0.869	0.542	0.614	Referent
			1	0.883	0.884	0.532	0.673	Reward
		1	0.913	0.906	0.877	0.504	0.643	Coercive
	1	0.880	0.886	0.887	0.911	0.576	0.686	Legitimate
1	0.956	0.959	0.957	0.951	0.951	0.586	0.702	power

۳-۷- تخمین مدل و نتایج آماری

جدول ۶. نتایج برازش مدل

متغیر	NAV	NAV	QR	QR
POWER	1.04E+08***		0.885847***	
NAV			8.82E-08*	6.13E-08
POWER×NAV			-2.01E-08*	
COERCIVE		-47975823		0.627096*
REWARD		-14453827		0.211304
LEGITIMATE		137721.1		0.227710
EXPERT		1.46E+08***		0.640048
REFERENT		21557765		0.801270**
COERCIVE×NAV				-3.39E-08
REFERENT×NAV				2.22E-08
REWARD×NAV				6.70E-09
LEGITIMATE×NAV				1.06E-08
EXPERT×NAV				-1.98E-08
LEV	-115178.7	12196.40	-0.003091	-0.002996**
SIZE	2410237	4950856	-0.011284	-0.007639
C	-4.03E+08***	-4.51E+08***	-3.322415	-3.365313***
ضریب تعیین	0.360590	0.460287	0.560686	0.628031
ضریب تعیین تعدیل شده	0.329651	0.395149	0.524077	0.535039
آماره F	11.65478	7.066355	15.31532	6.753584
معناداری آماره F	0.00000	0.00000	0.00000	0.00000

*** در سطح ۱ درصد، ** در سطح ۵ درصد، * در سطح ۱۰ درصد معنی دار است

۴-۷. خلاصه نتایج پژوهش

نتایج آماری	فرضیه های پژوهش
تایید	فرضیه اصلی ۱: قدرت مدیران می تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
تایید (***)	فرضیه اصلی ۲: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری می تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
تایید	فرضیه اصلی ۳: قدرت مدیران می تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
تایید (***)	فرضیه اصلی ۴: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی می شود.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۱: قدرت مبتنی بر جبر می تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.

نتایج آماری	فرضیه های پژوهش
تایید (***)	فرضیه فرعی ۲: قدرت مبتنی بر جبر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۳: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر جبر و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۴: قدرت مبتنی بر پاداش می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۵: قدرت مبتنی بر پاداش می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۶: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر پاداش و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۷: قدرت مبتنی بر قانون می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۸: قدرت مبتنی بر قانون می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۹: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر قانون و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
تایید	فرضیه فرعی ۱۰: قدرت مبتنی بر تخصص می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۱۱: قدرت مبتنی بر تخصص می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۱۲: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر تخصص و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۱۳: قدرت مبتنی بر مرجعیت می‌تواند عملکرد صندوق های سرمایه گذاری را پیش بینی کند.
تایید	فرضیه فرعی ۱۴: قدرت مبتنی بر مرجعیت می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را پیش بینی کند.
عدم تایید	فرضیه فرعی ۱۵: عملکرد صندوق های سرمایه گذاری به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مبتنی بر مرجعیت و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

*** در سطح ۱۰ درصد معنی دار است

۸- نتیجه گیری حاصل از آزمون فرضیات

در این رساله چهار فرضیه اصلی عنوان شد که تمامی آن ها مورد تایید قرار گرفتند. برای فرضیه های اصلی ۱ تا ۳، با توجه به تایید فرضیه ها به این نتیجه می‌رسیم که قدرت مدیران هم بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و هم بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر گذار است؛ با وجود آن که عملکرد صندوق های سرمایه گذاری بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر کمتری دارد اما در سطح ۱۰ درصد این فرضیه ها نیز مورد تایید قرار گرفته است. با توجه به فرضیه های فرعی که زیر مجموعه این فرضیه ها هستند متوجه می‌شویم قدرت مبتنی بر تخصص تاثیر بیشتری

بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری داشته است بنابراین براساس نتایج حاصل شده از آزمون فرضیات فرعی می توان نتیجه گرفت مدیران سرمایه گذاری که دارای قدرت تخصص هستند عملکرد بهتری داشتند و مدیرانی فاقد تخصص و سابقه مرتبط داشتند و دستورات از مقامات مافوق به آنها تحمیل شده است نمی توانند بر عملکرد پرتفوی تأثیرگذار باشند. بنابراین تصور اینکه مدیر سرمایه گذاری تأثیری بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری ندارد، اشتباه بوده و باتوجه به نتایج حاصل شده مشاهده می گردد که در صورتی که مدیری متخصص انتخاب نشود و مدیری به صورت سفارشی یا براساس ارتباطات انتخاب شود، عملکرد صندوق های سرمایه گذاری متأثر از قدرت مدیران نخواهد بود و بازدهی صندوق همبستگی بالایی با نوسانات بازار خواهد داشت که این مسأله تبعات خود را در بازار نزولی بیشتر نشان خواهد داد و این ناشی از عدم قدرت مدیر در ایجاد تناسب بین بازده و ریسک صندوق های سرمایه گذاری خواهد بود. همچنین در خصوص کیفیت گزارشگری مالی، از آنجایی که عملکرد صندوق های سرمایه گذاری بیشتر نقدی می باشد و اقلام تعهدی بسیار ناچیزی در صورتهای مالی وجود دارد، به طور کلی دستکاری صورتهای مالی در صندوق های سرمایه گذاری شایع نمی باشد و نتایج حاصل شده از فرضیات فرعی نیز نشان از ارتباط قدرت مبتنی بر جبر و مرجعیت با کیفیت گزارشگری مالی دارد که آن نیز به دلیل حفظ اعتبار و موقعیت این مدیران می تواند باشد. درست است که اثرات قدرت مبتنی بر جبر و قدرت مبتنی بر مرجعیت در دو سر یک طیف قرار می گیرند ولی هر دو اثر یکسانی بر روی کیفیت گزارشگری مالی داشته اند؛ یکی از طریق ایجاد دافعه و دیگری از طریق ایجاد جاذبه. در فرضیه چهارم از آنجایی که ارتباط اندکی بین عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد و قدرت مدیران به طور مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار بوده، وجود متغیر میانجی عملکرد صندوق های سرمایه گذاری در رابطه بین قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر خاصی ایجاد نکرده و به این نتیجه می رسیم که مدیران قدرتمند از طریق قدرت خویش و نه عملکرد پرتفوی، بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار می باشند. در مورد فرضیه اصلی چهارم با توجه به اینکه زیرمجموعه های این فرضیه تماماً رد شده اند می توان نتیجه گرفت منابع قدرت به طور مجزا و با وجود متغیر میانجی عملکرد صندوق های سرمایه گذاری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر نداشتند ولیکن به دلیل این که مجموع این ضرایب در کنار هم قرار گرفتند فرضیه اصلی در سطح ۱۰ درصد به تایید رسیده که ناشی از جمع ضرایب منابع قدرت می باشد. به طور کلی در مقایسه با پژوهش های انجام شده منابع قدرت بر عوامل مورد پژوهش تأثیرگذار بوده و مطابق با پژوهش حاضر نیز می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود این منابع مورد توجه قرار گرفته و در راستای انجام پروژه ها و مدیریت در سازمانها مورد استفاده قرار گیرد.

در فرضیه های فرعی ۱ تا ۳، مربوط به قدرت مبتنی بر جبر مشخص است با توجه به نتایج بدست آمده، مدیری که قدرت مبتنی بر جبر دارد نتوانسته بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری تأثیر داشته باشد. این ممکن است بدین معنا باشد که مدیر به دلایلی همچون عدم تخصص، حفظ موقعیت خویش و عدم اختیار ناچار به استفاده از جبر شده است و بر مبنای جبر مدیریت می کند چرا که ممکن است به صورت سفارشی منصوب شده باشد. از آنجایی که مدیریت پرتفوی صندوق های سرمایه گذاری نیاز به تمرکز و دقت بالایی دارد، هرگونه اعمال جبر می تواند تمرکز کارشناسان سرمایه گذاری را به حداقل رسانده و حتی ممکن است منجر به تصمیمات عجولانه و غیر

علمی گردد که در نهایت باعث کاهش بازدهی صندوق سرمایه‌گذاری و افت ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خواهد شد. همچنین به دلیل دافعه‌ای که در رفتار این مدیران وجود دارد، کارکنان دیگر با آنها همراهی نکرده و منجر به ارائه صورتهای مالی با کیفیت می‌شود تا عملکرد اینگونه مدیران، هر آنچه که هست، افشاء و در دسترس استفاده‌کنندگان صورتهای مالی قرار گیرد. براساس پژوهش‌های انجام شده توسط باقر سلیمی و همکاران، عزیزی و همکاران و یوکل و فالب، قدرت مبتنی بر جبر در خصوص ایجاد رضایت در افرادی که آمادگی کمتری در ورزش دارند و در مورد استرس کارکنان، کارایی دارد ولی در پژوهش بیورک و ویلکاکس، این منبع قدرت کارایی ضعیفی در مورد رضایت کارکنان داشته است که در مقایسه با نتایج این پژوهش مشخص است قدرت مبتنی بر جبر در برخی مواقع کارا می‌باشد.

برای فرضیه‌های فرعی ۴ تا ۶، در مورد قدرت مبتنی بر پاداش هر سه فرضیه فرعی تایید نشده و این بدان معناست که در شرکت‌ها پاداش تاثیر خود را از دست داده و برای کارمندان انگیزه ایجاد نمی‌کند. چنین اتفاقی می‌تواند ناشی از این مساله باشد که به دلیل کارمزد اندک صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای نهادهای مالی، مبلغ پاداش برای کارکنان صندوق نیز ناچیز خواهد بود. ملاک این ناچیز بودن در مقایسه با تورم موجود و توانایی مدیران حرفه‌ای در کسب بازدهی از سرمایه‌ی شخصی خویش عنوان شده است. متعاقباً کارشناسان سرمایه‌گذاری نیز پاداش اندکی دریافت می‌کنند و به دلیل اینکه تناسبی بین مسئولیتهای اداره صندوق و پاداش دریافتی وجود ندارد کارشناسان بر عملکرد صندوق توجه کمتری دارند. علاوه بر آن امتیاز دیگری نیز وجود دارد که بدلیل جایگاه و ارتباطات آنها ایجاد شده است، این امتیاز بر خورداری از اطلاعات مربوط به تخصیص منابع صندوق‌ها از جمله خرید و فروش اوراق بهادار می‌باشد که از این اطلاعات در راستای بهینه‌سازی پرتفوی شخصی خویش استفاده می‌نمایند، لیکن کارشناسان سرمایه‌گذاری به دلیل اینکه این امتیاز را به عنوان پاداش تلقی نمی‌کنند، در تکمیل پرسشنامه مربوطه، احتمالاً در نظر گرفته نشده است. همچنین با توجه به نتایج حاصل شده در هر دو روش، ارتباطی بین قدرت مبتنی بر پاداش با کیفیت گزارشگری مالی دیده نشده و این نشان از عدم کارایی پاداش در سازمان دارد. با بررسی پژوهش‌های بیورک و ویلکاکس، لیان و گوانتوی و باقر سلیمی و همکاران که منتج به این شده است که قدرت مبتنی بر پاداش بر استرس و رضایت کارکنان تأثیرگذار است و طی پژوهش یوکل و فالب این منبع قدرت بیشتر توسط مدیران میانی استفاده می‌گردد، مشخص است با نتایج این پژوهش همخوانی ندارد و در تضاد می‌باشد.

برای فرضیه‌های فرعی ۷ تا ۹، در رابطه با قدرت مبتنی بر قانون با توجه به رد تمامی فرضیه‌های فرعی مربوطه به این نتیجه می‌رسیم که مدیران قانونمند نمی‌توانند تأثیری بر عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. با توجه به تعریف ارائه شده برای قدرت مبتنی بر جبر، می‌توان بیان نمود جایگاه سازمانی مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری در صورتی که دارای تخصص و سابقه مرتبط باشند، از طریق تخصص خویش اعمال قدرت نموده و بر عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأثیرگذار خواهند بود و این نوع منبع قدرت در اولویت قرار می‌گیرد. و در صورتی که دارای تخصص و سابقه مرتبط نباشد، به اجبار از منابع قدرت مبتنی بر جبر و پاداش و یا حتی مرجعیت برای حفظ جایگاه خویش استفاده می‌نمایند و این نوع منابع قدرت در اولویت

قرار می گیرد، در نتیجه قدرت مبتنی بر قانون بی تأثیر و تشریفاتی خواهد بود. همچنین در صندوق های سرمایه گذاری، مدیران بایستی براساس قوانین خاصی که از سوی نهاد ناظر یعنی سازمان بورس و اوراق بهادار تدوین شده است، پرتفوی صندوق را مدیریت نمایند. به طور ویژه در بخش نحوه تخصیص منابع جذب شده در طبقات مختلف دارایی ها، حد نصاب های مشخصی اعلام شده است. از آنجا که در شرایط خاص سیاسی و اقتصادی، رعایت قوانین به ویژه لحاظ کردن حد نصاب ها باعث افت بازدهی صندوق می شود، در نتیجه مدیران با تخطی از قوانین تلاش می کنند تا بازدهی بیشتری کسب کنند. در نتیجه لزوماً مدیر قانونمند نمی تواند در صندوق های سرمایه گذاری از نگاه سرمایه گذاران مدیر موفق باشد. همچنین به دلیل اینکه عملکرد صندوق های سرمایه گذاری بیشتر نقدی است و در پایان هر روز، حسابها بسته و NAV مشخص می گردد، بنابراین مدیران، نمی توانند از طریق جایگاه سازمانی خویش اعمال قدرت نموده و صورتهای مالی را دستکاری نمایند. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش های کانتر مطابقت و با نتایج پژوهش های یوکل و فالب، بیورک و ویلکاکس و باقر سلیمی و همکاران تفاوت دارد.

برای فرضیه های فرعی ۱۰ تا ۱۲، در رابطه با قدرت مبتنی بر تخصص مشخص است مدیرانی که بر اساس تخصص رفتار می کنند بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری بسیار تاثیر گذار بوده اند. به عبارت دیگر تخصص خود را در راستای بهبود عملکرد صندوق های سرمایه گذاری خرج می کنند و این افراد به دلیل آن که عملکرد کاملاً تخصصی دارند نیازی به تغییر و دستکاری گزارشهای مالی نمی بینند و علاقمند هستند هر آنچه که عملکرد صندوق ها نشان می دهد، گزارش و اعلام شود. منظور از تخصص تنها داشتن مدارج علمی و دانشگاهی نمی باشد چرا که مدیرانی با مدارج علمی بالا، لزوماً عملکرد خوبی ارائه نموده اند. مدیران متخصص، مدیرانی هستند که توانایی تخصیص و انتخاب داشته باشند و بتوانند بین ریسک و بازده تناسب برقرار نمایند. اینگونه مدیران از تلاطم های بازار استفاده می کنند و ارزش افزایی می کنند. در مقایسه با تحقیقات سهادو، بیورک و ویلکاکس، کانتر و یوکل و فالب، قدرت مبتنی بر تخصص تأثیر بیشتری بر متغیرهای مورد بررسی مانند انجام درخواستها، پروژه ها، رضایت شغلی و استراتژی های هماهنگ بر پایه رفتار داشته است.

برای فرضیه های فرعی ۱۳ تا ۱۵، در رابطه با قدرت مبتنی بر مرجعیت می توان گفت کسانی که مرجع هستند و دیگران به آنها مراجعه می کنند در خصوص عملکرد صندوق های سرمایه گذاری تأثیر گذار نبوده اند و این ممکن است به این دلیل باشد که هرچند مدیران مرجع هستند و به آنها مراجعه می شود لیکن ممکن است از تخصص لازم برخوردار نبوده و اطلاعات خود را فقط از طریق ارتباطات دریافت کرده باشند. این مدیران ممکن است بیشتر از رانت اطلاعاتی استفاده کرده و از این طریق موقعیت خویش را حفظ میکنند. از آنجایی که بازار سرمایه دارای کارایی قوی نیست بنابراین مرجع و الگو بودن مدیران و داشتن اطلاعات نهانی نمی تواند باعث ارزش افزایی شده و بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری تأثیر گذار باشد. لیکن اینگونه مدیران دارای اعتبار و جایگاه ویژه ای در جامعه مالی هستند و تلاش می کنند از طریق ارائه یک صورت مالی با کیفیت، همچنان جایگاه خویش را حفظ نموده و اعتبارشان را خدشه دار نکنند. در مقایسه دیگر پژوهش ها مانند عزیزی و همکاران، لیان و

گوانتوی، کانتر و یوکل و فالب، هم قدرت مرجعیت از مهمترین منابعی است که بر انجام درخواستها، پروژه ها و رضایت کارکنان تأثیرگذار است.

۹- پیشنهادهای پژوهش

- با توجه نتایج پژوهش حاضر در خصوص فرضیه های اصلی ۱ تا ۴ مبنی بر اهمیت نقش مدیران در عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی صندوق ها، به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود که منابع قدرت مدیران صندوق ها را در تجزیه و تحلیل ها و در تصمیم گیری های خود مد نظر قرار دهند.
- با توجه به نتایج کسب شده از فرضیه های اصلی ۱ تا ۴ پیشنهاد می شود، سازمان بورس و اوراق بهادار برای صندوق های سرمایه گذاری نیز، رتبه بندی در نظر گیرد و در این رتبه بندی برای قدرت مبتنی بر تخصص مدیران سرمایه گذاری براساس میزان دانش، تجربه، توانایی تخصیص و انتخاب و توانایی ایجاد تناسب بین ریسک و بازده پرتفوی، امتیاز در نظر بگیرد.
- براساس نتایج بدست آمده از فرضیه های فرعی ۱ تا ۳ و ۱۳ تا ۱۵ پیشنهاد می گردد هنگام تحلیل بنیادی صندوق های سرمایه گذاری، همزمان عملکرد پرتفوی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.
- براساس نتایج حاصل از فرضیه های فرعی ۴ تا ۹ این پژوهش در رابطه با ارتباط قدرت مبتنی بر پاداش و قانون بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری، پیشنهاد می شود که نحوه محاسبه کارمزد مدیران صندوق ها براساس عملکرد و بازدهی صندوق باشد.
- در راستای نتایج فرضیه های فرعی ۷ تا ۹، در رابطه با میزان تأثیرگذاری قدرت مبتنی بر قانون، پیشنهاد می گردد قوانین و مقررات مربوطه انعطاف بیشتری داشته و موقعیتهای مختلف سیاسی و اقتصادی را در نظر بگیرد.
- در راستای نتایج فرضیه های فرعی ۱۰ تا ۱۲، در رابطه با میزان تأثیرگذاری قدرت مبتنی بر تخصص، پیشنهاد می شود مدیران سرمایه گذاری براساس شایستگی استخدام و جذب شوند.
- براساس نتایج حاصل از فرضیه های فرعی ۱ تا ۳ و ۱۳ تا ۱۵، به دلیل میزان تأثیرگذاری مدیران با منبع قدرت مبتنی بر جبر و مرجعیت بر گزارشهای مالی، پیشنهاد می شود به دلیل اینکه این مدیران باعث افزایش دارایی و سرمایه نمی شوند و ارزش افزایی ندارند، به کار گرفته نشوند.

۱۰- پیشنهادها برای پژوهش های آتی

- با توجه به رابطه مثبت قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی صندوق ها به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود، عوامل موثر بر قدرت مدیران را شناسایی و با استفاده از روش های تحلیل سلسله مراتبی رتبه بندی کنند.
- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود، الگوی علی جهت عوامل موثر بر قدرت مدیران را با استفاده از روش دیمتل فازی طراحی کنند.

- این پژوهش در صنعت صندوق های سرمایه گذاری انجام شده است لذا پژوهشگران می توانند این پژوهش را در صنایع دیگر به طور مثال صنعت بانکی مورد بررسی قرار دهند.

منابع مورد استفاده

- * استیفن پی. رابینز، مترجم: پارسیان، علی؛ اعرابی، سید محمد (۱۳۹۶). رفتار سازمانی. جلد دوم. انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
- * پورقاز، عبد الوهاب محمدی، امین (۱۳۹۰). بررسی رابطه منابع قدرت مدیران با ویژگی های شخصیتی کارآفرینی کارکنان، پژوهش های مدیریت عمومی، دوره ۴، شماره ۱۲: ۱۱۱-۱۳۰.
- * عربصالحی، مهدی و اخلاقی، حسنعلی، (۱۳۹۱)، تأثیر فرصتهای سرمایه گذاری، منابع تأمین مالی و مالیات بر خط مشی مستقیم سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۶
- * عزیز، طاهره، فکوری، الیاس (۱۳۹۰). بررسی نقش معیارهای سنجش عملکرد در ایجاد ارزش برای شرکت. مجله حسابداری، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، ص ۴۴ - ۴۹.
- * قالیباف اصل، حسن؛ یورداداش مهربانی، نازیلا؛ دهقان نیری، لیلیا (۱۳۹۴). " بررسی رابطه میان ریسک گریزی مدیران و عملکرد نهادهای مالی در بازار سرمایه"، مجله راهبرد مدیریت مالی، سال سوم، شماره دهم، ص. ۱-۲۳
- * قربانی، بهزاد؛ فروغی، داریوش؛ امیری، هادی و هاشمی، سیدعباس، (۱۳۹۱)، کیفیت تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره هفدهم گزارشگری مالی و نوسان بازده غیرمتعارف سهام، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی
- * لاری دشت بیاض، محمود؛ بهمنش، محمدرضا؛ فاطمی، محبوبه (۱۳۹۶). "ارزیابی عملکرد مدیران شرکتهای سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله مدیریت بهره وری، سال یازدهم، شماره چهل و سه، ص. ۱۷۱-۱۸۶
- * ملاحسینی، علی؛ کهنوجی، کبری؛ " بررسی منابع پنجگانه قدرت مدیران با تعهد کارکنان در سازمانهای دولتی شهرستان رفسنجان"، مجله توسعه و سرمایه (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، ص. ۱۱۷-۱۳۲
- * منتشری، مهدی، (۳۱۵۴)، نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش آثار محدود کننده تقسیم سود بر تصمیمات سرمایه گذاری، همایش مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی
- * نیکبخت، محمدرضا و ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۱) بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی نقدشوندگی سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشهای تجربی حسابداری مالی، شماره ۵
- * Chen, J. ., Zavgren C.V. (2017). Developing SFNN models to predict financial distress of construction companies. Expert Systems with Applications, (39), 823-82.
- * Cler., D.W (2017), Valuation Implications of Reliability Differences: The Case of Nonpension Postretirement Obligations, The Accounting Review72(3): 351-383.
- * Dechow, P.M., Decho, R.G.. (2002), Detecting earnings management, The Accounting review, 70(2): 193-225

- * Donald Line C. (2005). Mutual Fund Performance. Master Thesis, Ulm University, Faculty of Mathematics and Economics.
- * Ferreira, J., R. Schipper., P. and Ramos., K.. (2015). "The Market Pricing of Accruals Quality". *Journal of Accounting and Economics*. 39. pp 259-327
- * Graham, J. Edward, Lassala, Carlos, and Navarrete, Belen Ribeiro. (2020). Influences on mutual fund performance: comparing US and Europe using qualitative comparative analysis. *ECONOMIC RESEARCH*. VOL. 33, NO. 1, 3049–3070
- * Golden, H., and Carpenter, N., 2014. A genetic algorithm approach for smes bankruptcy prediction: Empirical evidence from italy. *Expert Systems with Applications* 41 (14), 6433–6445.
- * Hagen, N. (2004), "Financial Distress and Bankruptcy Prediction among Listed Companies Using Accounting, Market and Macroeconomic Variables", *International Review of Financial Analysis*, In Press, Available online 26 February
- * Hep, W. K., Miskel. C. G. (2011). *Educational Administration, theory, research, and practice*, 8 Th Ed, New York: McGraw Hill
- * Hess, C. W., & Wagner, B. T. (1999). Factor structure of the Rahim Leader Power Inventory (RLPI) with clinical female student supervisee. *Educational & Psychological Measurement*, 59, 1004-1016.
- * Kaawaase, Twaha Kigongo, Nairuba, Catherine, Akankunda, Brendah and Bananuka, Juma. (2021). Corporate governance, internal audit quality and financial reporting quality of financial institutions. *Asian Journal of Accounting Research* Vol. 6 No. 3, pp. 348-366
- * Karen, P.D. (2017). Earnings management and investorprotection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69, pp. 505-527.
- * Kashal, E. (2018). IPO survival and CEOs' decision-making power: The evidence of China. *Research in International Business and Finance*, 33, 247-267.
- * Kornchai PHORNLAPHATRACHAKORN1, Khajit NA KALASINDHU. (2021). Digital Accounting, Financial Reporting Quality and Digital Transformation: Evidence from Thai Listed Firms. *Journal of Asian Finance, Economics and Business* Vol. 8, No. 8 , 0409–0419
- * Kumar, S., Jebarajakirthy, C. and Das, M. (2021), "Building trust among channel members via power sources", *Journal of Business & Industrial Marketing*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JBIM-04-2021-0210>
- * Kurpi, M. (2004). »A Comparison of the Information Content of Accounting and Market Measures in Distress Prediction«. *INFINITI Conference on International Finance*.
- * Lam, S. S. K. (1997). Validity and reliability of the Rahim Leader Power Inventory: An investigation in Hong Kong. *International Journal of Management*, 14, 643-645.
- * Li, S. S. K. (2008). Validity and reliability of the Rahim Leader Power Inventory: An investigation in Hong Kong. *International Journal of Management*, 14, 643-645.
- * Li, H., Sun, J., 2009. Predicting business failure using multiple case-based reasoning combined with support vector machine. *Expert Systems with Applications* 36 (6), 10085–10096.
- * Maheen, Muhammad Sali. (2021) Impact of COVID-19 on the performance of emerging market mutual funds: evidence from India. *Future Business Journal*
- * McDonald D. H. (۲۰۱۶). The Effective Use of Power, in *Management for Science and Engineering*, fall, 2003, Revited at: http://python.rice.edu/-arb/courses/750_03_chapt8.pdf, Apr. 2010.
- * Nangih, E., Wali, S. C., & Anyanwu, P. O. (2021). Accounting policies, management judgements and financial reporting quality of small and medium enterprises in Nigeria: A survey. *International Journal of Finance Research*. 2(2). 58-70.
- * Rahim, M. A. (1944). The development of a leader power inventory. *Multivariate Behavioral Research*, TT, 291

- * Rahim, M.A., & Magner, M. R. (1996). Confirmatory factor analysis of the bases of leader power: First-order factor model and its invariance across groups. *Multivariate Behavioral Research*, 31, 495-516.
- * Rahim, M.Afzalur,(2014),” A Model of Managerial Power Bases: Alternative Explanations of Reported Findings”, *Current Topics in Management*, Vol. 17,23-40
- * Savolainen, R. (2021). Expert power as a constituent of opinion leadership: a conceptual analysis. *Information Research*, 26(2), [898].
- * Sharpe, William F., Alexander, Gordon J. and Bailey, Jeffery V., (1999), *Investment*, 6th ed., Upper Saddle River.
- * Singer, L , A , Jacobi .(2009) . “Predicting Bankruptcy : Evidence from Israel ”,*International Journal of business and Management*. Vol 5 , No 4 , pp 131-141
- * Srivastava, D., Hopkins, P. & Wahlen, J. (2015). Fair Values, Income Measurement, and Bank Analysts’ Risk and Valuation Judgments. *The Accounting Review*, 79(2), 453-472
- * Strong, B. T. (1999). Factor structure of the Rahim Leader Power Inventory (RLPI) with clinical female student supervisee. *Educational & Psychological Measurement*, 59, 1004-1016.
- * Verdi, Rodrigo (2006). *Financial Reporting Quality and Investment Efficiency*. Available at URL www.ssrn.com
- * Yukl G. and Falbe C.M., "Importance of Different Power Sources in Downward and Lateral Relations." *Journal of Applied Psychology* (June 1991), p.417

The Designing and Presentation a Model of The Use of Power Resources in Measuring The Performance of Mutual Funds and The Quality of Financial Reporting

Mahnaz Iravani

Department of Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

Mirfeyz Fallah Shams

Associate Professor of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

Freydoon rahnama Roodposhti

Professor and retired faculty member of Islamic Azad University, Science and Research Founding member and secretary general of the Financial Engineering Association And chairman of the Iranian Management Accounting Associationhead, Tehran, Iran

Mohammadhamed khanmohammadi

Assistant Professor of Accounting, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zohreh hajiha

Associate Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The efficiency and effectiveness of any organization significantly depend on the management and proper use of human resources. Managers may also contribute to the promotion of productive activities and the efficiency of financial markets by increasing the return on portfolio and subsequently attracting liquidity in the country's economy. The present study aims to investigate the sources of power on the performance of mutual funds and the quality of financial reporting. This research is correlational in nature and content. In this research, a sample of 66 mutual funds was reviewed from March 2020 to March 2021 in Tehran Stock Exchange. The results of this study showed that the power of managers affects the performance of mutual funds and the quality of financial reporting, also the performance of the company may be a mediating variable in the relationship between the power of managers and the quality of financial reporting.

Key words: Managers Power, Mutual Fund Performance, Financial Reporting, Net Asset Value (NAV)